افراد ملت افغانستان استقلال را از زندگانی خود واولاد خود بیش
واین خاصیت را ازنیاکان به میراث گرفته اند. خوشبختانه و
کوهسار طوری است که باشندگان آن دلاور، فداکار،
خلق شده اند، کوه های بلند سر بفلك، آبهای خوشگوار
روشن وهوای خوشگوار، حس وطندوستی، استقلال پرستی وملت
اولاد این وطن نمو وتربیه داده است وازین جهت بدون آزاد
وزندگانی را نمی خواهند گویا استقلال پرستی خاصهٔ
پس برما اولاد این خاك ضرور است تا برای حفظ این
قربان نمودن جان حاضر باشیم وخودرا بسلاح علم و کمال تو
تابتوانیم استقلال یعنی شرف وناموس وطن وملت خودرا نگه

181
Acc No 298
۲۷۱۱ع

GIFT

کتاب تحفة المومنین

۲۷۱۱

۱۲
اختیارات بدیعی

MAULANA AZAD CENTRAL LIBRARY
2711
Call No. 106-0
DEPT. OF HIST. OF MED. & MED. EDU. LIBRARY DELHI

بعد این مجموعه مسمی بتحفة المومنین را که اسم سامی و نام گرامی ان مالک الرقاب موشح ساخته باوجود علم
بعدم لیاقت این ارادت از انست که خدمات شایق تر از این بدرگاه شهنشاه عالم و عالمیان پناه ظل الله نمیدانست
بضاعت پای ملخی پیش سلیمان بردن ماه و عیب بست ولیکن هنر است از موری ماه التماس از ناظران این نسخ
سقیم انکه اگر خطائی مشاهده نمایند لباس اصلاح پوشند و بمجرد کتابت کاتبان فقط افرین بدون مقابله
و تصحیح صاحب دوران برامون کتب طب نگردند و این مجموعه مشتمل بر تشخصات و دستورات تشخصات
مبنی است بر پنج تشخص تشخص اول در بیان سبب اختلاف اقوال اطبا در ماهیت و قوت و مقدار شربت
ادویه و شرط اخذ هر دو او ذکر درجات و اقسام و توهمات تشخص ثانی در ذکر صفات افعال ادویه بیان
افعال کلیه و مشابهان و تغییر اسامی و معانی لغاتی که وقت انشاء این مجموعه مذکور میشود و در کتب ادویه مفرده مسطور
علیهاست تشخص ثالث در بیان ماهیت و کیفیت ادویه مفرده و مرکبه و اغذیه مفرده و مرکبه و ذکر
مصلح و بدل و مقدار شربت و انچه بان مناسب است تشخص رابع در معالجات امراض سموم تشخص خامس در بیان
اوزان و انچه تعلق به انست و دستورات منقسم است بر سه قسم قسم اول در بیان امراضیکه
متعلق است به ادویه مفرده مثل شستن و دوختن ادویه و تخمیر و تشخیص ان و طریق شستن
اشیا مثل عشبه و حب حنظل و مازریون و مانندان و اعمال غریبه قسم ثانی در امراضیکه متعلق است
بادویه مرکبه و ذکر معاجین و حبوبات و سایر مرکبات قسم ثالث در معالجات بسیار رعایت اختصار
اللهم وفقنی لاتمامه فانک علی کل شئ قدیر و بعونک تیسر کل عسیر تشخص اول در بیان سبب اختلاف اقوال
اطبا در ماهیت و خواص و مقدار شربت ادویه و شرط اخذان و ذکر درجات و قوت بانحسب مراتب بر
ارباب فطانت پوشیده نماند که چون اکثر ادویه بحسب اماکن و فصول و نوع و جغیه خلقی و تری و تازگی
و امثال ان مختلف الصور و الماهیه میباشند هرگاه شخصی امری را در بلدی و در زمانی و در فصلی و در
فصلی یا در حین تازگی یا در زمان خشکی ان یا در وقتی که تازه بود مشاهده کرده باشد محسوس
خود را بمثل در طعم و طعم و غیران نموده و دیگری که در غیر اوقات و احوال مذکوره ملاحظه کرده باشد
ماهیه انرا موافق اول نموده و احاطه بر جمیع احوال هر چیز مقدور شخص واحد نیست و بدستور از خاصیه

وقف وقار

نفع وضرر را نیز بحسب اطلاع خود ذکر کرده و ظاهر است که منحصر در آن نیست و بحسب اختلاف اوضاع
و بلاد و امزجه مختلفه تغیرات بسیار واقع شده و میشود لهذا باعث اشتباه و ربما سبب وقوع و حدیث
اکثر ادویه گردیده و ظاهر است که قدر شربت را بعضی بامزجه سابقه داده و جمعی قیاس بمعتدل المزاج و
بعضی قدری را منظور داشته اند و برخی اکثر مقدار را اعتبار نموده اند که زیاده ازان خوانده و
استعمال نمود و جمعی نسبت به ضعیف المزاج قدری معین ساخته اند و اولی مراعات جانب وسط
و احتیاط است اما شرط اخذ ادویه آنست که هر چه حیوانی باشد از حیوان صحیح المزاج و در فصل بهار
و در حین حیوانت یا بلافاصله بعد از ذبح باید گرفت و آنچه معدنی باشد در اوایل ربیع و پاییز
بخاک و بسیار کثافات نبوده و در رنگ و جوهر معیوب نباشد و از معادن مشهوره به ان بلده یا شهر
و از نباتات ثمر را بعد رسیدن و قبل از سقوط مگر آنکه نارس او مطلوب باشد و در انصورت قبل از تمامی
نمو و بعد خشک شدن باید گرفت و برگ را بعد از تمامی نمو و قبل از زرد شدن و شکوفه را بعد از استحکام
و اعتدال خشکی و گلهای شکوفه را بعد از شکفتن و قبل پژمرده شدن و تخم را بعد از استحکام قبل از تمامی
بهتر است و خیار را بعد از تمامی نمو و قبل از خشک شدن و تخم را بعد از استحکام تمر تا وقت رطوبت
برگ بلکه آخر فصل خریف و صمغ و عصاره را در اول ربیع و شکوفه باید گرفت و میباید وقت
اخذ آخر روز و قبل از طلوع آفتاب و بعد از غروب بوده باشد و هوا صاف باشد و حفظ ادویه در
مکان نمناک و جای بسیار گرم و در آفتاب نباید نمود مگر مطلب خشکی او باشد و هر چه از آفتاب قوتش
کم شود در سایه خشک باید کرد بدانکه تاثیر دوا بالذات به کیفیت است و غذا را بالذات تاثیرش نه
کمیت و تاثیر دوا در بدن معتدل منحصر است بچهار مرتبه چه هر چه بقدر اعتدال مقدار بعدار در دو بدن
معتدل و متغیر شدن اولا از کیفیت بر یط و ثانیا تغیر محسوس از اثر نباید و اگر بتکرار در زیاده یا بمقدار
اندک بقدر مساهل محسوس کرده از اعتدال گویند و اگر تغیر خفی دهد و از تکرار استعمال و زیاده یا مقدار
بقدر مساهل ظهور رسد درجه اول نامند و هر گاه تغیر ظاهری غیر خفی و هر درجه ثانی و اگر نهایت تغیر و هر درجه
درجه ثالث و هر گاه طبیعت را فی حد سازد و بدرجه هلاک رساند درجه رابع نامند و هر یک از درجات را
عرض میشمارند که اول و اوسط از درجه گویند و تقسیم درجات بنحوی که در کتب قدما و متاخرین ملاحظه شده
ذکر آنرا لایق ندانسته چنان است که به برهان ثابت شده که معتبر حقیقی تشنج است و هوائی که کیفیت